

تهران
۱۳۹۱

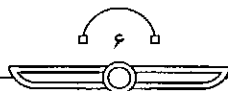


ژان باتیست فلیکس لاژار
ترجمه سید حسن آصف آگاه





سرشناسه: لاژار، فلیکس (Lajard, Félix)
عنوان و نام پدیدآور: راز و رمزهای آیین میترا (مهر) / ژان باتیست لاژار؛ ترجمه سید حسن آصف آگاه
مشخصات نشر: تهران، طهوری، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری: ۱۹۲ ص. مصور (رنگی)؛ ۲۲x۲۹ سانتیمتر
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۹۱۱-۰۹-۱
فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: Recherche sur le culte public et les mysteres de mithra
موضوع: مهر پرستی
موضوع: راز و رمزهای مذهبی
موضوع: زردشتی
موضوع: هنر آسیایی
موضوع: هنر رومی
شناسه افزوده: آصف آگاه، حسن، ۱۳۴۶ - . مترجم.
رده بندی کنگره: BL ۱۵۸۵ / J۳ر۳ ۱۳۹۰
رده بندی دیویی: ۲۹۹/۱۵
کتابشناسی ملی: ۲۵۹۳۷۵۲



این کتاب ترجمه‌ای است از

Recherches sur le culte public et les myste'res de mithra en orient et en occident

J. B. Felix Lajard
1783-1858

راز و رمزهای این میترا (مهر)

ناشر | انتشارات طهوری

مؤلف | ژان باتیست فلیکس لارار

مترجم | سیدحسن آصفی‌آگاه

آرایش صفحات | کارگاه گرافیک هیچ

نوبت و سال انتشار | چاپ اول: ۱۳۹۱

شمارگان | ۱۱۰۰ نسخه

چاپ | گلیانگ

صحافی | کاوا

قیمت | ۳۰۰۰۰۰ ریال

تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است

شابک | ۹۷۸-۶۰۰-۵۹۱۱-۰۹-۱

نشانی | خیابان انقلاب، روبه‌روی دانشگاه تهران، شماره ۱۳۰۴.

تلفن | ۶۶۴۰۶۳۳۰ | نمابر | ۶۶۴۸۰۰۱۸



درباره مؤلف کتاب

■ ژان باتیست فلیکس لاژار Felix Lajard دیپلمات، باستان‌شناس و محقق فرانسوی، در مارس ۱۷۸۳ میلادی در لیون متولد شد. وی یکی از پیشروان و آغازگران پژوهش در آئین میترا است که مهمترین مطالعات او درباره ارتباط تمدن یونان با شرق و منشاء ادیان هلنی بود. فلیکس در خانواده‌ای پروتستان چشم به جهان گشود. تحصیلات بسیار خوبی را در پاریس پشت سر گذاشت و سپس به کمک عمویش وارد خدمات دیپلماتیک شد. علاقه او به باستان‌شناسی و مطالعه ادیان شرقی از زمان نخستین مأموریت دیپلماتیکش (۱۸۰۹ - ۱۸۰۷) در ایران آغاز شد. در این سفر او به عنوان منشی ژنرال گاردان، فرستاده ویژه ناپلئون را همراهی می‌کرد. لاژار جوان به عتیقه‌های ایرانی علاقمند شد و مجموعه با ارزشی از استوانه‌ها و مهرهای استوانه‌ای را گردآوری کرد. در عین حال توجه او به مطالعه ادیان شرقی جلب شد. همچنین وی از نخستین افرادی بود که به روابط میان یونان و آسیا توجه نشان داد و از مدافعان این نظریه گردید که کلید شناخت ادیان هلنی را باید در مشرق زمین جستجو کرد.

در سال‌های دهه ۱۸۲۰ او روابط نزدیکی با شرق شناسان فرانسوی برقرار کرد و عضو انجمن آسیا شد، همکارانش او را تشویق کردند که به مطالعه ادیان شرقی ادامه بدهد. از سال ۱۸۳۰ به بعد با برخی دانشمندان آلمانی، از جمله جورج فریدریش کروزر G. Freidrich Creuzer آشنا شد که در مورد منشاء شرقی اسطوره‌های یونانی کار می‌کرد.

مهمترین اثر و شاهکار او کتاب حاضر است که آن را در سال‌های ۱۸۴۸ - ۱۸۴۷ میلادی منتشر ساخت. پس از مرگش، ژول مول این اثر را تکمیل نمود. اثر دیگر او که در همین سال ۱۸۴۷ به چاپ رسید، «پژوهش در باب آئین‌ها، نمادها و یادمان‌های ونوس در مشرق زمین و غرب» است.

Recherches le culte de ve'nusen en orient et en occident.

اثر دیگر او «پژوهش در آئین سرو هرمی در میان ملل متمدن باستان» است که به سال ۱۸۵۴ چاپ شد.

Recherches sur le culte pyramidal chez les peuple civilise's de l'antiquite'.

و سرانجام آخرین اثر او «پژوهش در کیش همگانی و راز و رمزهای آئین میترا در شرق و غرب» است که در حقیقت شرحی بر تصاویر این کتاب است که با تفصیل بیشتر پرداخته شده و پس از مرگش در ۱۸۶۷ به چاپ رسید.

Recherches sur le culte public et les myste'res de mithra en orient et en occident.

با این همه نقطه ضعف اصلی لاژار، عدم آشنایی او با زبان‌های شرقی بود. اما علیرغم این مشکل، وی توانست راه را برای مطالعه تاریخ تطبیقی ادیان، حتی پیش از کشفیات باستان‌شناسی در ایران و بین‌النهرین هموار نماید. نظریه‌های اصلی او بعدها توسط استادان زبان‌های باستانی، زبان‌شناسان و باستان‌شناسان بسط و گسترش داده شد. فلیکس لاژار سرانجام در سپتامبر ۱۸۵۸ در سن هفتاد و پنج سالگی در تور Tours دیده از جهان فرو بست.^۱

لاژار در کتاب حاضر توانسته مجموعه ارزشمندی از الواح، سنگ نگاره‌ها و تصاویر مهری را تهیه و جمع‌آوری نماید که با وجود پژوهش‌های کومون و ورماسرن، هنوز هم قابل استفاده بوده و به عنوان یکی از منابع تحقیق درباره آئین میترا در بین محققان مطرح است. هر چند شرح‌هایی بر تصاویر این کتاب، در اثر دیگرش «پژوهش در راز و رمزهای آئین میترا» که پس از مرگش به چاپ رسید، نشان می‌دهد که امروزه اغلب آن‌ها کهنه شده و ارزش خاصی ندارد، اما انبوه و گستردگی معلومات و آگاهی‌های او با توجه به زمانش و اینکه یکی از پیشروان مطالعات آئین میترا بوده، براستی قابل ستایش و تحسین برانگیز بوده است. یکی از اشتباهات وی در کتاب حاضر که مورد انتقاد پژوهشگران پس از وی بوده، این است که در این مجموعه که تصاویر آن در ۱۰۷ پلان می‌باشد، پلان ۱ تا ۶۶ مربوط به مجموعه‌ای بسیار ارزشمند و قابل توجه از تصاویر مرد بالدار یا پرندۀ توتمیک (و به عبارتی همان فرّوهر در ایران به نظر اغلب ایران‌شناسان) است که امروزه به عنوان اهورا مزدا شناخته می‌شود. هر چند لاژار این تصاویر را تحت عنوان نقوش میترای در این کتاب گرد آورده، اما نظر او مورد پذیرش دانشمندان قرار نگرفت.

با این حال به نظر نگارنده، توجه در همین تصاویر - که برخی از آن‌ها را می‌توان مرتبط با رمز و رازهای میترای دانست - و دیگر تصاویر ارائه شده در این کتاب، و دقت و بررسی آن‌ها بدرستی می‌تواند در بینش و فهم ما از این آئین پر رمز و راز راهگشا بوده و باشد؛ زیرا چنانکه می‌دانیم هنوز هم در این آئین بسیاری نقاط مبهم و تاریک وجود دارد که پژوهش و ژرف‌نگری در آن‌ها احساس می‌شود و اگر کمی به دیده انصاف بنگریم وجود همین تصاویر که با تلاش

و کوشش لاژار هم اکنون در دست ماست می‌تواند کمک شایانی بر مطالعاتی از این دست باشد و امروزه باید بر این دانشمند و پژوهشگر هزاران درود و سپاس نثار کنیم. ■

۱- فرهنگ شرق شناسان فرانسوی زبان، نوشته فرانسوا پویون، ص ۵۵۰ و ۵۵۱
Dictionnaire des orientalistes de langue francaise' Francois pouillon.
و نیز آئین مهر، هاشم رضی، ج ۲، ص ۸۱۹

کیش‌هایی باشند که هر چند خاستگاهی ایرانی داشتند اما به سرعت در میان دیگر مردمان جهان در شرق و غرب جایگاهی شایسته و جهانی یافت. یکی آئین مهرپرستی بود که بالاخره در غرب و اروپا به میترائیسم با مشترکات و خصوصیات متفاوت تبدیل شد و دیگری کیش مانوی، که شاید جایگاه جهانی به این دلیل بود که میراث‌دار مکتب‌های گوناگون دینی و فلسفی و از جمله مسیحی‌گری، یهودی‌گری و آئین زرتشت بود. و همین امر کیش مانوی را که به مفهوم ساده یک آئین گنوسی بود به آئین گنوسی جهانی تبدیل کرد به عبارتی دیگر «تنها آئین جهانی بزرگی که از دل سنت گنوسی خاور نزدیک برخاسته بود.»^۴

هر دوی این آئین‌ها پیام‌آور این پیام انسانی و بسی دل‌انگیزند که بنی‌آدم تحت لوای یک ریشه واحد باید به خاندانی بزرگ تبدیل شوند. ارنست رنان در جمله‌ای بسیار معروف می‌گوید: «اگر مسیحیت با مرضی اخلاقی از رشد باز می‌ماند جهان مهرپرست شده بود.» قبل از اینکه وارد بحث مفصلی درباره میترا و آئین او و چگونگی پیدایش و گسترش میتراپرستی شویم بد نیست در اینجا نوشته یک پژوهنده انگلیسی که در اصل نماینده و وامدار تفکر جهان مسیحی و غرب است را در این خصوص بیان کنیم. وی حدود یک قرن پیش اینگونه اظهار نظر می‌کند:

«در ویرایش تازه دانشنامه بریتانیکا می‌بینید که نیم صفحه درباره مهر نوشته شده است. شاید به نظر بیاید که می‌خواهم نظر شما را به یک دین ناچیز در میان دین‌های کهن بکشانم. ولی باید بگویم که هر چند نخواهم توانست شما را به دریافت اهمیتی که این دین دارد بیدار کنم، دین مهر دینی هست و خواهد بود که نقش جدی در تاریخ پرورش دین و بر مسیحیت که در زمان ما رایج است، دارد. کمی جستجو آشکار می‌کند که این دین کهن، که در زمان ما این اندازه کم از آن آگاهی داریم، در دوران چند سده در امپراتوری روم گسترده‌ترین دستگاه دینی بود؛ به سخن دیگر در سده‌هایی که آن را مسیحی می‌خوانیم دین مهر در برگیرنده‌ترین دین در جهان غرب بود. پژوهندگان در این باره همداستانند. برای پدران کلیسا، دین مهر خطرناک‌ترین خار در چشم بود و بازمانده‌های یادمانی آن از دوران امپراتوری روم پذیرش شگفتی‌آور آن را در میان مردم نشان می‌دهد. در خود کشور ما [انگلستان] که سیصد سال در دست رومیها بود، آنهم دورانی که فرض شده مسیحیت در سراسر امپراتوری رخنه و نفوذ داشته، هیچ یادمان و نشانی از مسیحیت به دست نیامده است، حال آنکه یادمان‌هایی که برای بزرگداشت و ستایش مهر برپا شده فراوان دیده می‌شود. در

■ از مهر و مهرپرستی تا میترا و میترائیسم

اهورا مزدا به زرتشت گفت:

هنگامی که من مهر فراخ چراگاه را هستی بخشیدم، او را در شایستگی ستایش و برازندگی نیایش، برابر با خود آفریدم.

مهر یشت، کرده ۱، بند ۱

و در همانجا بند ۵ آمده:

بشود که او (مهر) ما را به یاری آید،... ما را گشایش بخشد،... ما را دستگیری کند،... ما را دل سوز باشد،... چاره کار ما به ما بنماید،... ما را پیروزی بخشد،... ما را بهروزی دهد،... ما را دادرش باشد؛^۲

مردم ایران باستان بدرگاه ایزد بزرگ فراخ چراگاه خویش، ایزد فروغ و روشنایی، پاسدار راستی و درستی و درستگویی و درست پیمانی و دوستی، و دشمن و فروکوبنده دروغ و ناراستی و مهر دروجی^۳ و خصم دروغ‌گویان و پیمان‌شکنان اینسان استغاثه کرده و از او یاری می‌طلبیدند.

ایرانیان در طول تاریخ پر فراز و نشیب فرهنگ و تمدن گرانبار خویش، دو بار توانستند خالقان

میتراپی می‌باشند:

1. Franz Cumont, Textes et monuments figure's relatifs aux mystères de Mithra, 2 vol. Brussels, H.Lamertin. (1896-99).

(این کتاب که به عنوان متن‌ها، یادمان‌های تصویری و کتیبه‌هایی دربارهٔ راز و رمزهای آیین میتراپی، با قطع بزرگ در ۹۳۱ صفحه و ۵۰۷ تصویر و ۹ لوحهٔ فتوگراف به چاپ رسیده، مجموعهٔ کاملی از متن‌ها، لوحه‌ها و کتیبه‌ها و منابع و مأخذ و بطور کلی یادمان‌هایی است که از ادوار کهن باقی مانده است.)

2. Maarten Vermaseren, Corpus inscriptionum et monumentorum religionis Mithraicae, 2 vol (1956-60).

(این کتاب پس از کار دو جلدی فرانتس کومون که در بالا ذکر شد، مفصل‌ترین و دقیق‌ترین کار درباره میترا است که حاوی بسیاری از پژوهشها و اطلاعات و تصاویر و یادمان‌های میتراپی با توضیحاتی کارآمد است.)^۷

البته به این مجموعه باید اثر ارزشمند لروی کمبل را نیز افزود:

3. Leroy A. Campbell, Mithraic Iconographix and Ideology (1968).

منابع میتراپی بدون یاد کرد آثار فلیکس لازار Felix Lajard مؤلف کتاب حاضر ناقص خواهد بود. او از نخستین پژوهشگران محققان و روشنگران راز و رمزهای آیین میتراپی است که آثار او به ویژه شاهکارش «اطلس بزرگ تصاویر میتراپی» - (۱۸۴۱)^۸ یعنی کتاب حاضر، شامل مجموعهٔ ارزشمندی از تصاویر میتراپی است که امروزه نیز قابل استفادهٔ علاقمندان و پژوهشگران بوده و از منابع تحقیق آئین مهر (میترائیسیم) به شمار می‌رود. هر چند در دهه‌های اخیر پس از کومون و ورماسرن، دانشمندان بسیاری همچون نیمه مایرهوفر، میه، سوندرمان، پرسکوف، لنتس، هومباخ، پتراشمیت، لومل، کارل دورنر، دومزیل، گریشوچ، بویسیست، ویدن، گرن، گیرشمن، دوشن گیم، آرسی زرن، مری بویس، نیبرگ (نوبرگ)، جان گوندا (خندا)، هینلز و غیره با پژوهشها و تحقیقات خود سعی در هر چه روشن‌تر شدن راز و رمزهای آئین میتراپی کردند. اینان با کندوکاو در یادمان‌های تصویری، کتیبه‌ها، تندیس‌ها و کلیهٔ نشان‌ها و نمادهای باقیمانده از کیش مهری در له و بر علیه نظرات کومون و ورماسرن، حدسیات و باورهای غیر قطعی و گاه مغرضانهٔ خود دربارهٔ آئین میترا را ثبت نمودند. برای آگاهی از بسیاری از این آثار می‌توان به کتاب «دین مهر در جهان باستان» که مجموعهٔ گزارش‌های دومین کنگرهٔ بین‌المللی مهر شناسی است، رجوع کرد؛ بویژه مقالهٔ پتراشمیت با عنوان «مسئلهٔ اصلی مطالعات میتراپی هندو ایرانی»، قسمت کتابشناسی منابع، ص ۴۳۴ - ۴۴۰.

غارهای مهری، پیکر تراشی‌های مهر و نوشته‌هایی از این گونه یافت شده است: «به بهترین و بزرگترین خدا، میتراپی شکست‌ناپذیر، خداوند روزگاران... با این همه نشان که از دین مهر در سده‌های آغازین مسیحیت مانده است، هزار سال در پی آن می‌آید که هیچ‌گونه آگاهی از این دین در دست نیست و چنین می‌نماید که نام فراموش شده‌ای در اروپاست. حتی در سده‌های پانزدهم و شانزدهم، باستان‌شناسان بزرگ آن زمان یادمان‌های کشف شده مهری را نمایانگر خدایان و قهرمانان افسانه‌ای روم می‌پنداشتند.»^۹

لازم به ذکر است در ویرایش جدیدتر این دانشنامه (۱۹۷۳م) باز مدخل مهر از این نیم صفحه فراتر نرفته و در آن تحت عنوان «اسطوره و خدایشناسی میترا» (ج ۱، ص ۲۸۹) می‌خوانیم:

«بنا به اسطوره، خدای خورشید پیک خود راغ را به سوی میترا فرستاد و دستور دارد گاو را بکشد. اما هنگام مرگ گاو معجزهٔ بزرگی رخ داد. گاو سید تبدیل به ماه شد. ردای میترا به گنبد آسمان یا ستارگان درخشان و اختران تبدیل گشت. از دم و خون گاو نخستین خوشه‌ها و سنبله‌های غلات و انگور پدید آمد. از اندام تناسلی جانور نطفهٔ مقدسی سرازیر شد که به درون کاسهٔ آمیزنده‌ای ریخت. هر آفریده‌ای بر روی زمین از ترکیب نطفهٔ مقدس شکل گرفت. یک سرود میتراپی چنین آغاز می‌شود: «تو با ریختن خون ازلی ما را رستگار کردی». گیاهان و درختان آفریده شدند. شب و روز از پی یکدیگر آمدن آغاز کردند، ماه گردش ماهانهٔ خود را آغاز کرد، فصل‌ها رقص دایره‌وار خود را به گرد سال آغاز کردند و بدین‌گونه، زمان آفریده شد. اما آفریده‌های سیاهی با نور ناگهانی بیدار شدند و از زمین برخاستند. ماری خون گاو را لیسید. کژدمی کوشید تا نطفهٔ مقدس را از آلت تناسلی آگاو بنوشد. روی نقش برجسته‌ها غالباً شیری نیز دیده می‌شود. با مرگ گاو و آفرینش جهان، پیکار میان نیکی و بدی آغاز شد: چنین است وضع زندگی انسان.

زاغ نماد هوا، شیر نماد آتش، مار نماد زمین و کاسهٔ آمیزنده نماد آب است. بدین‌گونه چهار عنصر (هوا، آتش، زمین، آب) پدید آمدند و از آن‌ها همه چیز آفریده شد. پس از قربانی آکردن گاو، میترا و ایزد خورشید با هم ضیافتی برگزار کردند، گوشت و نان خوردند و باده نوشیدند. آن‌گاه مهر سوار بر گردونهٔ خورشید شد و با او سراسر اقیانوس را در میان هوا پیمود تا به پایان جهان رسید.»^{۱۰}

باید یادآوری کرد منابع اصلی و مهم گزارش فوق دو اثر برجسته و عظیم فرانتس کومون و مارتین ورماسرن هستند که هنوز هم از مفصل‌ترین و جامع‌ترین منابع به لحاظ کاوش‌ها و اطلاعات و تصاویر در زمینهٔ آئین

نام میترا - اشتقاق و معانی گوناگون آن

میترا از کهن‌ترین خدایان هندو آریایی است که در یونان و روم میتراس نامیده می‌شد. نام این ایزد و مشخصات آن تأیید کننده این واقعیت است که آئین ستایش میتراس رومی دارای خاستگاه شرقی و بویژه ایرانی بوده است. نام این ایزد در منابع قدیم ایرانی، اوستا با نام Mithra، در ودهای هند و منابع سانسکریت میترا Mitra، در زبان دری میهر Mihr، در نوشته‌ها و کتب پهلوی میترا Mitra، در پارسی مهر Mehr و فارسی باستان میس یا میثه Miça به معنای پیمان و در یونان و روم میتراس Mithras نامیده شده که با میترا شرقی بسیار متفاوت است.

پلوتارک در سده نخست میلادی در توصیف میترا از واژه mesites به معنای «داور و میانجی» سود برده که در مکتوبات مسیحی و انجیل این لفظ بویژه برای مسیح به کار می‌رود. گونه سفدی این نام «میشی» باشین و در فارسی باستان با سین است که در عبری و عربی به گونه «مشیح» در آمده است.^۹

«ای مهر دارای دست‌های فراخ ... توکار به داوری کنی و به عدالت میانجیگری می‌کنی میان مخلوقات مینویی و مادی»

آرسی زرنر پس از نقل این قسمت از خرده اوستا، می‌نویسد: جای تردید نیست مهری که در اینجا میانجی خوانده می‌شود، همچنان که در نوشته پلوتارک آمده، در واقع همان خورشید گزارش از نیک کلی «Ezrik of Kolb» است.^{۱۰}

چنان‌که گذشت در میترائیسم و ادبیات یونانی و روم میترا گاهی نام خورشید گرفته، و از طرفی در سرودهای ریگ ودا - که باستانی‌ترین سندی است که صفات میترا را توجیه می‌کند - اشارات جنبی به رابطه میترا و نور وجود دارد. همین امر موجب گردیده بسیاری از محققان و دانشمندان غرب، میترا را خدای نور بخوانند و این تصور نادرست و اشتباه میان آنان درباره همسانی میترا و خورشید بیشتر تقویت گردد. با این‌همه به هیچ وجه نمی‌توان او را خدای خورشید و مظهر نور نامید و میترای ودایی را با مهر - خورشید پارسی یکسان ساخت.^{۱۱}

دشموک پژوهشگر هندی در کتاب دین در ادبیات ودایی، ص ۱۰۲ می‌نویسد: تقریباً همه پژوهشگران svar یا surya سانسکریت را همان خورشید آریاییان می‌دانند که همان hvar اوستایی است. هر چند ایزدان دیگر نیز گاهی خورشید نامیده شده‌اند، اما این صفت اصلی آن‌ها نبوده است.^{۱۲} وی در همان کتاب ص ۱۷۲ می‌نویسد: گاهی میترا را چون خورشید ستوده‌اند، ولی اینکه بتوان این الوهیت را خدای خورشید نامید به هیچ وجه قطعی نیست... محققان بسیاری چون

هارلتس Harletz و مولتون Moulton آن را بیشتر ایزد اتر تعبیر می‌کنند، و ادواردز Edwards این نظریه را بهترین می‌خواند. به همین دلیل نیز او را دشمن تیرگی و دوست انسان نامیده‌اند. هارلتس نام میترا را مشتق از mid به معنی دوست داشتن و یا mith به مفهوم موافقت کردن، می‌داند (هر چند میت را پیوند دادن و پیوند دهنده نیز معنی کرده‌اند). با این‌همه میترا به هیچ وجه نه خورشید است و نه خدای نور؛ دشموک در تأیید این سخن در همان کتاب ص ۲۲۱ می‌نویسد: «میترا را در ریگ ودا نمی‌توان به عنوان یک ایزد خورشید مشخص ساخت».^{۱۳}

دانشمند معروف دیگر هندی اروپیندو (Sir Aurobindo) نیز در چندین رساله خود که متون آریایی و بخصوص ودها را از نظر میترا بررسی نموده، به این نتیجه رسیده که این خدا را باید بیشتر به عنوان سرور عشق و دوستی و یاور مهربان انسانها دانست.^{۱۴}

ریشه‌شناسی نام میترا

در بیان اشتقاق و ریشه‌شناسی نام میترا دانشمندان بحث‌ها و نظریات مختلفی ابراز کرده‌اند. مجموعه این نظریات را می‌توان در مقالاتی از مجموعه گزارش‌های دومین کنگره بین‌المللی مهرشناسی ۱۹۷۵ م، که با عنوان دین مهر در جهان باستان با ترجمه استاد ثاقب‌فر در ۱۳۸۵ به چاپ رسیده، جستجو کرد.

مایرهوفر (M. Mayrhofer) در مقاله خویش «ریشه شناسی و کهن‌ترین شواهد نام میترا» درباره نام میترا ابتدا این گونه اظهار نظر می‌کند: «به هیچ وجه تردید نیست که تطبیق آوا شناسی نام میترای ودایی، میترای اوستای جوان و میترای هخامنشی باستان (Mit[ra], Mitra, miθra) ما را به همان خدای آریایی کهن یعنی Mitra [میترا] هدایت می‌کند».^{۱۵} آنگاه وی پس از بحثی فاضلانه درباره معانی خورشید و پیمان برای میرا، نظر میثه (Meillet) در مورد این که - Mi-tra واژه‌ای است خنثی به معنای پیمان، را متقاعد کننده می‌داند. وی در ادامه می‌نویسد مهم‌ترین نظر مخالف با نظر میثه، متعلق به ولفگانگ لنتس (Lentz) است که می‌گوید واژه میترای آریایی را باید چیزی تقریباً معادل با «پرهیزکاری» و هر گونه پیوند اجتماعی دانست. ریشه درست از اشتقاق tra به ma می‌پارسی باستان - اوستایی به معنای «اندازه گرفتن» به دست می‌آید، و بنابراین mā-tro-m ی هندوژرمنی برابر است با [متروس] یونانی به معنای «اندازه، اندازه درست». لازم به ذکر است تیمه (در کنگره مطالعات میترا شناسی، ص ۲۴ به بعد) قاطعانه نظر لنتس را رد کرده و در معنای «پیمان» برای میترا اصرار دارد.^{۱۶}